



پاسخ به اتهامات آمریکا

نماینده ایران در سازمان ملل اتهامات بی اساس مطرح شده علیه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در نامه نماینده ایالات متحده در سازمان ملل خطاب به رئیس شورای امنیت مورخ ۲۹ دسامبر ۲۰۲۳ را قویاً رد کرد. امیرسعید ابروئی در نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل اعلام کرد: علاوه بر نامه‌های قبلی ما، از جمله آخرین نامه مورخ ۴ دسامبر ۲۰۲۳ (S/2023/952)، ما با این اتهامات بی اساس مطرح شده علیه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در نامه نماینده ایالات متحده در سازمان ملل خطاب به رئیس شورای امنیت مورخ ۲۹ دسامبر ۲۰۲۳ را قویاً رد می‌کنیم. وی گفت: جمهوری اسلامی ایران بار دیگر تأکید می‌کند که هیچ گروه وابسته به نیروهای مسلح این کشور چه در سوریه، چه در عراق و چه در جاهای دیگر، تحت کنترل مستقیم این کشور یا به نمایندگی از آن فعالیت نمی‌کند، در نتیجه ایران مسئولیتی در قبال اقدامات هیچ فرد یا گروهی در منطقه ندارد. وی ادامه داد: اقدامات غیرقانونی مستمر ایالات متحده در نقض آشکار حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد در منطقه نیز به جمهوری عربی سوریه مشهود است و با انتشار اطلاعات نادرست و ادعاهای بی اساس علیه ایران قابل کتمان یا توجیه نیست.



دادگاه ترور سردار سلیمانی

دبیر ستاد حقوق بشر ایران با ابراز امیدواری نسبت به برگزاری نخستین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده ترور سردار سلیمانی طرف دو تا سه ماه آینده گفت: ما به متهمان آمریکایی اعلام کردیم که می‌توانند در دادگاه حضور یافته و از خود دفاع کنند یا برای خود وکیل تعیین کنند. چهار سال از عملیات تروریستی آمریکا جهت به شهادت رساندن سردار شهید قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس و شماری از هم‌رزمان‌شان می‌گذرد و ایران همچنان به صورت جدی در مسیر انجام اقدام‌های قضایی و حقوقی برای این پرونده گام برمی‌دارد. در این رابطه کاظم غریب‌آبادی، معاون امور بین‌الملل قوه قضائیه و دبیر ستاد حقوق بشر در گفت‌وگو با خبرنگاری میزان آخرین وضعیت پرونده ترور سردار شهید سلیمانی را تشریح کرد. غریب‌آبادی با اشاره به تداوم روند پیگیری پرونده ترور سردار سلیمانی، گفت: بعد از اینکه کیفرخواست از سوی دادستانی تهران برای دادگاه در اردیبهشت ماه ارسال شد، شعبه ویژه مرکب از سه قاضی تعیین تا فرآیند قضایی طی شود.



گسترش روابط تهران و مسکو

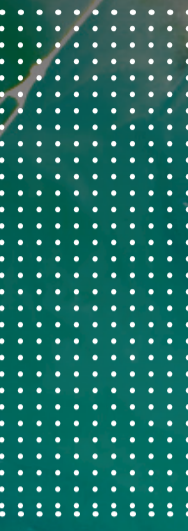
معاون دیپلماسی اقتصادی وزیر خارجه ایران با تأکید بر اینکه باید یک ارز واحد برای تعاملات مجموعه بریکس ایجاد شود، خاطرنشان کرد، بریکس می‌تواند روابط ایران و روسیه را گسترش دهد. مهدی صفری، معاون دیپلماسی اقتصادی وزیر خارجه ایران در گفت‌وگو با خبرنگاری اسپوتنیک تأکید کرد، بریکس می‌تواند در گسترش روابط ایران و روسیه در زمینه‌های مختلف سهیم باشد. وی گفت، ایران قصد دارد در تمام برنامه‌های روسیه در چارچوب ریاست بریکس در این سال مشارکت داشته باشد. صفری افزود: روسیه از طریق تجارت بین‌المللی متنوعی که دارد، می‌تواند مکانیزم جدیدی برای تعاملات بریکس ایجاد و به تأسیس دبیرخانه برای مجموعه کمک کند. معاون دیپلماسی اقتصادی وزیر امور خارجه در ادامه گفت: از کمک‌های روسیه برای عضویت کامل ایران در مجموعه بریکس تشکر می‌کنیم و مسکومی‌تواند روابط میان مجموعه در راستای تحقق اهداف مطلوب را گسترش دهد.

بین کامبوج و تایلند. مسئله دیگری که حائز اهمیت است این است که نقشه‌هایی که قدرت‌های استعماری تهیه می‌کنند، نمی‌تواند خیلی قابل قبول باشد.

توجه بفرمایید به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه قطر و بحرین که تاریخ منقشه و نظام تحت‌الحمایگی را مطرح می‌کند. اصلاً نظام استعماری با آن مفهومی که متداول است وجود ندارد بنابراین، این مسئله خیلی به ما کمک می‌کند. اما اینکه رنگ نقشه‌ها به رنگ ایران است در رویه قضایی در اختلاف اریتره و یمن رأی دیوان دادگستری در ۱۹۹۸ اعلام می‌کند که رنگ نقشه هیچ تأثیری در حاکمیت و مالکیت دولتی نخواهد داشت؛ بنابراین این یک مقداری برای ما چالش ایجاد می‌کند. اما بنده از این دیدگاه به نقشه‌ها نگاه می‌کنم؛ اصلاً کاری نه به رنگش و نه حتی به نهادهای صادرکننده اش دارم. می‌دانید که نهاد صادرکننده اش وزارت دفاع بریتانیا است و به درخواست لرد ثالث بری وزیر خارجه وقت انگلستان نقشه تهیه شده در سال ۱۸۸۶ و دو بار هم تجدید چاپ شده است. این‌ها مشکلی ندارد. اما این نقشه‌ها طی یک نامه به ایران ارائه شده و آن نقشه‌ها ضمیمه این نامه است و این نامه از طرف ایران مورد قبول قرار گرفته است. به عبارت دیگر یک توافق بین دو تا دولت به وجود آمده که آن نقشه‌ها ضمیمه این موافقت‌نامه محسوب می‌شود؛ بنابراین این نقشه‌ها از این منظر می‌تواند اعتبار داشته باشد نه به لحاظ اینکه رنگش اینطور است یا صادرکننده نقشه این است یا صادرکننده نقشه آن است. این در واقع ضمیمه یک نامه‌ای است و در رویه قضایی و در حقوق بین‌الملل عنوان برای سند مهم نیست، محتوا مهم است. اما رویه قضایی رسمی دیوان حتی صورتجلسه را به عنوان معاهده بین‌المللی لحاظ کرده است. دعوی قطر و بحرین، رأی صلاحیتی دیوان در سال ۱۹۹۴ که صورتجلسه‌ای فی‌مابین قطر و بحرین که در جریان اجلاس شورای خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ تنظیم شده، این را یک نوع معاهده بین‌المللی شمرده است. قبل از آن در قضیه اختلاف بین ترکیه و یونان در دریای اژه بیانیه‌ای صادر می‌شود با این مضمون که این یک توافق بین دو تا دولت است. بنابراین اینکه این نامه آمده است و ما این نامه را همراه با ضمیمه‌اش پذیرفته‌ایم، یک سند است. نکته اصلی و جان کلام در مورد نقشه‌هایی که وجود دارد، این است که اینها ضمیمه این نامه است که وزارت خارجه انگلستان برای ما فرستاده و ما این موضوع را پذیرفتیم. بنابراین یک توافقی بین دو دولت بر سر این وضعیت وجود دارد. این رنگ هم اماره‌ای است شبیه سرزمین ترسیم شده و ضمیمه یادداشت رسمی است.



کوروش احمدی: انگلیسی‌ها در مورد جزایر چهار تا استدلال علیه ایران داشتند که این چهار استدلال عیناً به اماراتی‌ها منتقل شد. مهمترین‌اش آن ظرفیت دوگانه است یعنی قواسم بندر لنگه در دوره‌هایی در بندر لنگه حکومت می‌کردند، انگلیسی‌ها پذیرفتند که اینها مأمور دولت ایران بودند و گمارده دولت ایران بودند و به عنوان یک مقام ایرانی کارشان را انجام می‌دادند منتها یک تبصره می‌گذارند که اداره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی را اینها به عنوان قبیله‌ای خود انجام می‌دادند و نه به عنوان مقام ایرانی و بین این دو تفکیک قائل می‌شوند. این را به مقامات ایران منعکس کردند. مقامات ایرانی به آنها جواب دادند چنین چیزی اگر بود شما باید به حکام بندر لنگه که غیرقاسمی بودند یا شما یا قاسم جنوب خلیج فارس، اعتراض می‌کردید و نکردید و غیرقاسمی‌های بندر لنگه که به همین ترتیب حاکم بودند این سه جزیره را اداره می‌کردند، مالیات می‌گرفتند و اعمال حاکمیت می‌کردند. انگلیسی‌ها در یادداشتی که می‌دهند سعدالملک را مثال می‌زنند. سعدالملک کسی بود که حدود یک سال حاکم بوده؛ از سال ۱۸۸۸ تا ۱۸۸۹، انگلیسی‌ها می‌گویند چون دوره کوتاه بود، مسئله این است که سرتیپ احمدخان که از سال ۱۸۸۷ که حاکم قاسمی را دستگیر و به تهران می‌فرستد، بعد تمام کسانی که آنجا حاکم بودند تا سال ۱۹۰۳ که انگلیسی‌ها پرچم شیوخ را بالا می‌برند، غیرقاسمی بودند و هیچ وقت اعتراضی نه از جانب انگلیسی‌ها، نه از جانب قاسمی‌ها نشده است؛ مسئله این است. این مسئله را دولت ایران به انگلیسی‌ها جواب می‌دهد که شما اعتراض نکردید که اینها غیرقاسمی بودند و جنوبی‌ها هم اعتراض نکردند. سوال این است که زیستگاه اصلی قواسم لنگه است یا شارجه؟ حکام اصلی قواسم در سواحل جنوبی مستقرند و یک تعداد جمعیت قواسم به شمال و بندر لنگه آمدند و آنجا مستقر شدند و سمت‌هایی را پذیرفتند. قبیله قاسمی اگر حقی در مورد جزایر سه‌گانه داشت، حق باید در خاستگاه اصلی و زیستگاه اصلی می‌ماند و در کنترل سران اصلی قواسم می‌ماندند نه اینکه کسانی که مهاجرت کردند. اینها را هیچ وقت جواب نداشتند و ندادند و ندارند.



کوروش احمدی
دیپلمات بازنشسته:
ایران سابقه تمدنی و سابقه اعمال حاکمیت را دارد و از چنین سابقه‌ای برخوردار است؛ در حالی که طرف مقابل فاقد چنین سابقه‌ای است، یعنی قبایل تا قبل از دهه ۶۰، قرن بیستم، قبل از سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۰ اصولاً مرز بین‌شان معنا نداشت، بعضی از حقوقدان‌ها سرزمین‌های قبایلی را تشبیه به دریای آزاد کرده‌اند. یعنی همانطور که در محدوده دریاهای آزاد، کشتی‌ها بدون مانع رفت و آمد می‌کنند، شترها و کاروان‌های شترها و مردم قبیله‌ای هم قبیله‌ای رفت و آمد داشتند؛ بدون اینکه هیچ مرزی وجود داشته باشد

را بیرون کنند. این داستان در سال ۱۶۲۲ اتفاق افتاد و انگلیسی‌ها کمک کردند و از آن طرف هم امام قلی خان سردار ایرانی موفق شد پرتغالی‌ها را از این منطقه بیرون کند و انگلیسی‌ها وارد این منطقه شدند. به خصوص برای حفظ کمپانی هند شرقی که در شبه‌قاره حضور داشت. در دوران تضعیف صفوی و شاه سلطان حسین، اولین هجوم اعراب جنوبی که تیره‌ای از قواسم عجمان بودند را شاهد هستیم که این‌ها وارد می‌شوند. در سال ۱۷۴۷ به وسیله نادرشاه این‌ها پس زده می‌شوند و حتی رأس الخیمه را هم نادرشاه می‌گیرد. اسم رأس الخیمه را نادرشاه گذاشته چون تمام لشکریان در آنجا خیمه زده بودند؛ آنجا اسمش جفار بود. در زمان نادرشاه این اسم آنجا گذاشته شد. مجدداً با کشته شدن نادر این‌ها به جنوب ایران حمله کردند و این بار توسط کریم‌خان زند مجدداً از ایران رانده شدند و بعد از مرگ کریم‌خان، این‌ها مجدداً وارد شدند و این بار با پذیرش تابعیت ایران از طرف حاکم لنگه مسئول اداره سرزمین شدند که داستانش بسیار طولانی است.

قواسم قبل از اینکه وارد این منطقه بشوند با توجه به بیابانی بودن منطقه جنوب خلیج فارس، اصلاً مرزی وجود نداشت؛ مفهوم حاکمیت آن موقع وجود نداشت و به همین علت هم هست که نهادهای مادون دولت نمی‌توانند از آن منطقه کسب سرزمین کنند. اماراتی‌ها مدعی هستند که این قواسم یک دولت بودند و چون دزدی دریایی می‌کردند و ایران هم نمی‌توانست این‌ها را کنترل کند پس این‌ها اصلاً حاکمیت داشتند لذا می‌توانستند آن سرزمین‌ها را از آن خودشان داشته باشند و الان هم ما از طرف آنها باید در اختیار داشته باشیم. قواسم که به دزدی دریایی می‌پرداختند و عمدتاً کشتی‌های کمپانی هند شرقی را مورد حمله قرار می‌دادند سبب شد که حضور انگلیسی‌ها در اینجا تداوم پیدا کند و به بهانه اینکه بتوانند این‌ها را سرکوب کنند و سرانجام هم موفق شدند این کار را بکنند و معاهداتی با این شیوخ منعقد کنند و صلح بریتانیا یا پاکس بریتانیا در منطقه حاکم شد، به تبع آن، بعداً یک معاهده تحت‌الحمایگی هم منعقد کردند.

منتها تحت‌الحمایگی در منطقه جنوب خلیج فارس یک مقدار متفاوت است از آنچه که ما در حقوق بین‌الملل می‌شناسیم. دو نوع تحت‌الحمایگی است؛ یکی، تحت‌الحمایگی‌ای که دولت حامی روابط خارجی آن سرزمین را اداره می‌کند، یک تحت‌الحمایگی بود که شیوخ یک پولی به یک شیخ گردن کلفت دیگر می‌دادند که از آنها حمایت کند. در سال ۱۸۹۰ بالاخره انگلستان این جزایر را اشغال می‌کند و این رویه تا سال ۱۹۰۳ ادامه دارد. در سال ۱۹۰۳ وزیر مالی ایران آقای لوزز از بلژیک با همکار خودش برای اینکه مالیات بگیرند، پرچم کشور خودش را در ابوموسی و تنب به اهتزاز درمی‌آورد. این مسئله با اعتراض انگلستان مواجه می‌شود و تحت فشار انگلستان این‌ها مجبور می‌شوند این پرچم را پایین بیاورند؛ ولی اعلام می‌کنند همچنان این جزایر متعلق به ایران است.

امنیت داخلی ایران با انقلاب مشروطیت به هم ریخته بود و در چنین شرایطی است که انگلستان در سال ۱۹۰۴ پرچم شارجه را در آنجا به اهتزاز در می‌آورد. انگلیسی‌ها مدعی هستند اینجا سرزمین بلاصاحبی بوده و ما آمدیم این کار را کردیم که اصلاً تئوری سرزمین بلاصاحب در اینجا صدق نمی‌کند، حتی خود اماراتی‌ها هم قبول ندارند که این سرزمین بلاصاحب است. این وضعیت ادامه دارد تا به دوران پهلوی اول می‌رسیم و مذاکراتی که در آنجا آغاز می‌شود و از طرف ایران، تیمورتاش بوده و این مذاکرات ادامه داشته که تیمورتاش پیشنهادی داده که به هیچ وجه همچنین صلاحیتی ندارد، چون که برای مذاکره یک اعتبارنامه‌ای صادر می‌شود، حدود صلاحیت مذاکره کننده در آن اعتبارنامه ذکر می‌شود، به هیچ عنوان تیمورتاش نه اجازه این کار را داشت که بحث اجازه و خرید را مطرح کند، چون طبق قانون اساسی مشروطه هم که در آن موقع جاری شده بود، هرگونه تغییرات سرزمینی در ایران مستلزم تصریح مجالس ملی و سنا بود که در قانون اساسی فعلی هم هست. این طور نیست که من نماینده ایران هستم بروم هر کاری دلم می‌خواهد بکنم و هر پیشنهادی که بخواهم بدهم. بنابراین خیلی برای آن اعتباری متصور نیست.

در مورد نقشه‌هایی که حاکمیت مشاع، قواسم لنگه و شارجه را مطرح می‌کند نقشه از لحاظ حقوق بین‌الملل هیچ اعتباری ندارد، اینها همه مستخرج از رویه‌های قضایی دیوان‌های داور و همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری است؛ اولاً نقشه نباید در تعارض با سایر مدارک و اسناد باشد. ثانیاً نقشه نمی‌تواند توسط محافل خصوصی تهیه شده باشد، باید حتماً نهادهای عمومی این نقشه را تهیه کرده باشند؛ ثالثاً اگر اشتباهی در نقشه وجود داشته باشد باید این مسئله مورد اعتراض قرار گرفته باشد، در غیر این صورت اگر مورد اعتراض قرار نگرفته باشد، این اعتراض بعداً مورد قبول قرار نمی‌گیرد. عنایت بفرمایید به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری درباره معبد مورد اختلاف

در شمال امتیازاتی گرفتند و حاکمیت ایران ضعیف شده، شروع می‌کنند به برنامه‌ریزی که چگونه بتوانند در خلیج فارس عرض اندام کنند.



ابراهیم بیگزاده: می‌خواهم یک نگاه سطحی به تاریخ جزایر داشته باشم. حاکمیت پارس بر منطقه خلیج فارس به دیرزمان برمی‌گردد. حتی به دوره ایلامی‌ها و ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد که مردم ایلام از نژاد زاگرس بودند و در دوران هخامنشی همین منطقه جزء ساتراپ چهاردهم دولت ماد قرار داده شد. در دوره هخامنشیان این منطقه تحت سیطره امپراطوری فارس بود. حتی بخشی از اقیانوس هند را به عنوان آب داخلی در موافقی مورد توجه قرار می‌دادند. بالطبع این ادامه دارد تا به دوران ساسانیان می‌رسیم. در دوران ساسانیان ما با اولین هجوم مهم خارجی مواجه هستیم و آن ورود اعراب به ایران است و به دنبال ورود این‌ها و شکست امپراطوری ساسانی، ما شاهد قیام‌های مختلفی در عرصه نقاط ایران هستیم؛ قیام زنگیان، قیام قرمطیان، به خصوص آل بویه که حدود ۱۰۲ سال بر این سرزمین حکومت کردند و در دوران آل بویه نکته‌ای که جالب است حتی تا عمان هم توانستیم پیش برویم و جزو منطقه فارس ما قرار گرفت.

اولین شکافی که در تاریخ حاکمیت ایران یا پارس به وجود می‌آید، ورود پرتغالی‌ها در سال ۱۶۲۲ بود که به مدت بیش از یک قرن پرتغالی‌ها اینجا حضور داشتند و وقتی دست‌درازی به گامبرون که الان بندرعباس نامیده می‌شود را آغاز کردند، سبب شد شاه عباس صفوی با انگلیسی‌ها کنار بیاید و انگلیسی‌ها را وارد منطقه کند، برای اینکه پرتغالی‌ها

پاکشورها مل کنیم قی حاکمیت ایران و مواضع روس‌ها کوروش احمدی و یوسف مولایی